

سید محمد ضیاء آبادی

# گل محمدی

①

(مجموعہ داسن نامی عبرت انگیز)

www.KitaboSunnat.com

ضیاء‌آبادی، محمّد، ۱۳۰۹.

عطر گل محمدی (۱) / سید محمّد ضیاء‌آبادی.

تهران: مؤسسه بنیاد خیریه الزّهراء، ۱۳۸۷.

۱۲۱ص.

978-600-5289-09-1

کتابنامه به صورت زیرنویس

داستان‌های اخلاقی

داستان‌های مذهبی

۱۳۸۷ ع ۶۲ ض ۸۶ / BP۲۳۴۹/۵

کتابخانه ملی ایران

۲۹۷/۶۸

۱۲۵۲۰۲۶



انتشارات  
بنیاد خیریه الزّهراء

### عطر گل محمدی (۱)

سید محمّد ضیاء‌آبادی

ناشر: انتشارات بنیاد خیریه الزّهراء

حاصل شد زمستان ۹۴

شماره: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۹-۰۹-۱

قیمت: ۵۰۰ تومان

لیتوگرافی: موع

چاپخانه: غزال

نشانی: تهران - کارگر جنوبی - چهارراه لشکر - خیابان شهید سید علی حسینی کوچه

ارجمند - پلاک ۴

تلفن: ۵۵۳۸۰۵۳۴ - دورنگار: ۵۵۳۸۲۷۹۰

چاپ و تکثیر این کتاب با حفظ محتوا، رعایت کیفیت و ملاحظه‌ی موارد ذیل برای دلسوختگان و علاقه‌مندان به

گسترش معارف دینی با کسب مجوز کتبی از دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریه الزّهراء، بلامانع است.

(۱) در هر نوبت چاپ تعداد ۱۰ نسخه به نشانی انتشارات بنیاد خیریه الزّهراء ارسال شود.

(۲) هرگونه تغییر در محتوا و کیفیت ظاهری با اجازه‌ی دفتر امور فرهنگی می‌باشد.

(۳) مطالب فوق در هر نوبت چاپ درج شود.

(۴) قیمت متناسب با پشت جلد لحاظ گردد.

تقریظ حضرت آیت الله ضیاء آبادی دامت برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین)

«لَقَدْ كَانَ فِي حَصْرِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ...»<sup>۱</sup>

«در سرگذشت آنان / سوام / ممل بشین / درس عبرتی برای اندیشمندان است.»

این جمله‌ی نورانی از حضرت امام ایزدالمؤمنین علیه السلام منقول است:

(إن هذا القلوب تمل كما تمل الابدان فابتغ لها طرائف الحكم)<sup>۲</sup>

«این دلها (از فکر و اندیشه در یک موضوع) ما را رخنه می‌شوند، همانگونه که

بدن‌ها (از یک نواختی کار) احساس ملالت و خستگی می‌کنند. پس برای (رفع

خستگی) آن دلها، حکمت‌ها و دانستنی‌های تازه در اختیارشان بگذارید تا در کسب

حکمت و علوم، احساس خستگی ننمایند.»

۱- سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۱۱.

۲- نهج البلاغه‌ی فیض، حکمت ۸۹، باب الحكم.

ضمن سخنرانی‌های هفتگی که به توفیق خدا چند سالی است صبح‌های جمعه انجام می‌شود و به صورت جزوه‌های صفیر هدایت طبع و منتشر می‌گردد؛ به تناسب موضوع بحث در هر جلسه داستان‌هایی از عالمان و صالحان از گذشته و حال ذکر شده است که خالی از آثار تربیتی و آموزندگی نمی‌باشد. اخیراً دست‌ارجمند و عزیز و محترم جناب آقای شریف‌زاده که دارای ذوقی لطیف توأم با فضل و فضیلت می‌باشند، تصمیم بر گردآوری آن داستان‌ها از لابه‌لای این کتاب گوناگون جزوات صفیر هدایت گرفته و آن را عملی کردند و اینک به صورت مجموعه‌ای حاضر تقدیم برادران و خواهران ایمانی می‌گردد تا با مطالعه‌ی آن که شامل بر مطالب متنوع است رفع خستگی کرده و آماده‌ی مطالعه‌ی مطالب علمی و تحقیقی بشوند. از همه‌ی خوانندگان عزیز التماس دعا و از دوست گرامی جناب آقای شریف‌زاده که اقدام به جمع و تنظیم این مجموعه نموده‌اند عرض تشکر و موفقیت‌همگی را از خداوند متعال خواستارم.

سید محمد ضیاء آبادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ...»

«ما بهترین داستان (یوسف) را برای تو حکایت می‌کنیم»

سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۳

...أَتُحْصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

«پس (ای پیامبر) این قصه‌ها را (بله یا عورا) را بازگو کن؛ شاید به اندیشه فرو روند».

سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۶



به جرأت می‌توان گفت در میان فرهنگ‌های گوناگون و ملل مختلف هیچ قالب بیانی به قدر قصه نافذ و مؤثر نبوده است و با تعقیب رد پای بشر در درازای تاریخ، زندگی انسان هم هیچ‌گاه از قصه تهی نمانده است و شاید سبب آن این باشد که انسان به خاطر ویژگی‌های خاص روحی‌اش به قصه علاقه دارد و چه بسا راه و رسم قهرمانان آن را الگوی خود قرار می‌دهد.

انسان با قصه‌خوانی اولاً با میراث‌های فرهنگی و آداب و سنن پیشوایان خود و همین‌طور آداب و رسوم جامعه و حیاتی که در آن زندگی می‌کند آشنا می‌شود و ثانیاً بر اثر قصه‌خوانی بر تجربه و قدرت تفکر او افزوده می‌شود و به این وسیله زمینه‌ی خودسازی و جامعه‌سازی در او برانگیخته می‌گردد.

قصه جایگاهی بلند در تربیت نفوس و تهذیب جان‌ها دارد. با تأمل در تاریخ گذشتگان ملاحظه می‌شود بسیاری از دانشوران به قصه علاقه نشان داده‌اند و به قصه‌گویی و قصه‌نویسی گاه خالص و گاه آمیخته با خرافه‌ها پرداخته‌اند. از دانشوران بزرگ فارسی‌زبان، فردوسی و عطار و سعدی و مولوی نام آوران بی‌بدیل این عرصه‌اند. در ادبیات عرب نیز ابن کثیر، سخاوی و ثعالبی علاقه‌ی خاصی به جمع‌آوری قصه‌های پیشین نشان داده‌اند و البته در آن چه گردآورده‌اند رگه‌هایی از خرافه و مجهولات نیز دیده می‌شود. از دانشمندان معاصر عرب گروهی سرشناس به قصه‌های قرآن اهتمام ورزیده‌اند که البته بیشتر از مصر برخاسته‌اند و به‌طور نمونه قصص الانبیاء از عبدالوهاب نجار و محمد نوری، الی الله تعالی از شیخ محمد عدوی را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

پیشینه‌ی قصه و قصه‌گویی در معنای وسیع آن در طول تاریخ ناپیداست و به درستی نمی‌توان گفت که نخستین و منتهی‌الوجه آن چه کسی پرداخته است و کدامین پدر اولین حماسه را سرود و در جمع خویشان خود بازگفت و کدامین مادر اولین زمزمه‌ی قصه را در گوش کودک خود ترنم کرد. قصه همواره حضوری پیدا و پنهان در زندگی روزمره‌ی ما داشته و دارد. شاید از همین روست که ادیان الهی و کتب آسمانی غالباً پیام خویش را در مایه‌ای از قصه و حکایت بیان می‌داشته‌اند و بر عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان بسی تأکید می‌ورزیده‌اند.

۱- مبانی هنری قصه‌های قرآن، سید ابوالقاسم حسینی.

محکم ترین دلیل بر ریشه دار بودن علاقه‌ی انسان به قصه، توجه کتاب‌های مذهبی و به خصوص قرآن مجید به قصه است. اصرار قرآن بر قصه‌گویی و قصه‌خوانی هر خواننده‌ای را به وجد و شگفتی وامی‌دارد. انسان از خود می‌پرسد مگر قصه چیست و دارای چه تأثیر و نتیجه‌ای است که آفریدگر هستی، پیامبرش بلکه همه‌ی آفریدگان خویش را به تأمل در قصه‌های قرآن فراوان خواند.

در واقع، مسح این پرسش را باید در مفهوم و معنای قصه در قرآن و شیوه‌ی قصه‌نویسی قرآن جستجو کرد. این ابهام و تردید بیشتر از آن جهت است که ما هرگز از این نپرسیده‌ایم که قرآن کریم از قصه‌های خویش چه هدفی را دنبال می‌کند.

آشنایی با فرهنگ قرآنی و تأمل در قصص گوناگون قرآن هر هوشمند مدبری را به تأمل وامی‌دارد که قصص قرآن تماماً در پی تحقق یک هدف متعالی و مقدس است و آن تطهیر جان از زنگ زلفا را آراسته شدن به زیور فضائل و در یک کلام رسیدن به مقام قرب الهی است.

قصص قرآن همراه با تمثیلات بی‌مانند و هنرمندانه‌ی خرد، هم نمایانده‌ی زیبایی‌ها، پاکی‌ها، پاکدامنی‌ها و سرانجام عزت‌بخش سداقت، طهارت، عفت‌نفس و استقامت و پایمردی در راه عقیده است و هم نمایشگر پایان بدفرجام تبعیت از هواهای نفسانی، دل‌بستگی به دنیا، غفلت، غلبه‌ی شهوت، شرک، شک و تردید، بخل، کوتاهی در انجام وظیفه، کفران نعمت و نافرمانی از اوامر الهی است.

استاد فرزانه و مفسر عالیقدر حضرت آیت الله ضیاء آبادی مدظله العالی با عنایت به ویژگی بارز تأثیرگذاری قصه گویی ضمن مباحث شیوای تفسیری (صبح هر جمعه) علاوه بر بیان دقائق، ظرائف و لطائف تفسیری و اشارات حکیمانه و مشفقانه‌ی خود به نکات اخلاقی، تربیتی و مسائل مبتلابه جامعه، با توانمندی و هنرمندی ویژه‌ی خود حکایات و قصصی را که مؤید نکات مطرح شده است، با بلاغت هر چه تمامتر برای شنوندگان بیان می‌نمایند که به اعتراف همگان بسار جذاب، مؤثر و شنیدنی است و اگر ابهامی هم برای شنونده در طول سخنرانی وجود داشته، با شنیدن قصه و حکایت مطرح شده کاملاً برطرف می‌شود.

نگارنده‌ی این سطر به از جمله‌ی ارادتمندان به این عالم ربانی است و سالیان سال توفیق در دست حضرت خیرتش را داشته، با خود اندیشید این حکایات و قصص (که در این حالت تمثیلات و تذکرات هم بر آن افزوده شده) اگرچه با موضوعات تفسیری مرتبط و کتب تفسیری مجموعه‌ی به هم پیوسته است و در جزوات صفیوهدایت هر هفته منتشر می‌شود، اما به طور مستقل و منفصل هم با مختصر ویرایشی برای دیگرانی که فرصت کافی برای مطالعه در اختیار ندارند و یا هر دلیل دیگر، می‌تواند بسیار مفید، مؤثر و حربه‌ش باشد. انجام این مهم پس از مشورت و جلب موافقت معظم‌له، با همت برخی از دوستان با عنوان «عطر گل محمدی» به شکل کنونی درآمد که امیدواریم مورد استفاده‌ی همگان به ویژه دانش آموزان عزیز در مدارس راهنمایی و دبیرستان و دیگر اقشار محترم قرار گیرد.



## وجه تسمیه کتاب عطر گل محمدی

در خصوص وجه تسمیه این کتاب به عطر گل محمدی به نظر رسید که این نکات جالب و قصص نقل شده از صفیوهدایت در واقع رایحه‌ای دلنشین از جلساتی است که در آنها دو یادگار گرانبهای رسول اکرم ﷺ یعنی قرآن و عترت با همان تهانای سلاله السادات حضرت آیت الله سید محمد ضیاء آبادی دامت برکاته به نحو بلیغ و شیوایی مورد شرح و تفسیر قرار می‌گرفتند و به واسطه‌ی آن، شایان‌ترین مشتاق در این بوستان محمدی به عطر هدایت و ولایت معطر می‌شد.

مناسب دیده شد که خطاب این عنوان هم اصالت سیادت، نام خطیب و محتوای جلسه را یاد آور باشد و از وی بی‌با دیدن و خواندن آن، زبان‌ها به زینت صلوات بر محمد و آل محمد پیروز گردد. امید آن که حق تعالی به لطف و کرمش پذیرد.

شایان ذکر است قصص و حکایات این مجالس تماماً از تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی توبه گزینش شده است و ان شاء الله بزودی حصص تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی یونس نیز به محضر علاقه‌مندان تقدیم خواهد شد. خوشه‌ی خواریم شد عزیزان خواننده ما را از پیشنهادهای و نقطه‌نظرات مفید خود بهره‌مند فرمایند.

با احترام

نیازمند دعای خیر دوستان

احمد شریف زاده - زمستان ۸۴